

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه ریزی و سیاست گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی

سرشناسه	کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... (و دیگران) :	مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله ویراستار مرتضی طباطبایی.
مشخصات نشر	تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	ج ۱۰ :
شابک	دوره : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج ۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۶ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج ۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۸۰۲
وضعیت فهرست نویسی	فیا :
یادداشت	کتابنامه .
مندرجات	ج ۱ : کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - ج ۲ : کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - ج ۳ : کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - ج ۴ : کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - ج ۵ : کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی - ج ۶ : مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - ج ۷ : مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - ج ۸ : مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی - ج ۹ : مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - ج ۱۰ : مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -
موضوع	علوم انسانی(اسلام) -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities (Islam) -- Congresses
موضوع	علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities -- Congresses
شناسه افزوده	مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	BP۳۲۲ :
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۴۰۳۹۸ :

مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد یکم | کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۶۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

شابک: ۲-۷۰-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

تلفکس: ۰۹۰۵۶۰۶۶۴

www.sccsr.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

info@sccsr.ac.ir

رایانامه:

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی

۱۳

نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی
محسن فرمهینی فراهانی

۳۷

تبیین محتوای برنامه درسی مدرسه شاد بر اساس آموزه‌های اسلامی
نیکو دیالمه، مرضیه دهقانی، سکینه خوش صفت (نویسنده مسئول)

۶۹

تبیین و تحلیل رویکردهای بومی سازی برنامه درسی علوم انسانی دانشگاهی با
نگاه تعلیم و تربیت ایرانی- اسلامی
یداله اسفندیاری، سولماز نورآبادی

۹۱

چالش‌های فراروی تربیت اسلامی در مواجهه با فضای مجازی
اکبر رهنما

۱۰۷

نظریه عقل عاطفی در آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) و کارکردهای روان‌شناختی - تربیتی آن
علی نقی فقیهی

مقدمه

چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی با عنایات خدای بزرگ و تحت توجهات حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) دوم آبان‌ماه ۱۳۹۶ در مرکز همایش‌های بین‌المللی سازمان صداوسیما با حضور پرشکوه حوزویان و دانشگاهیان در قالب ده کمیسیون تخصصی با ارائه ۸۴ مقاله برگزار شد. مراسم اختتامیه کنگره نیز ۴ آبان‌ماه در قم و همزمان با اعطای سومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی برگزار گردید. سومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی به سه تن از صاحب‌نظران برجسته در این زمینه اعطاء شد. جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا در رشته فلسفه علوم اجتماعی اسلامی، دکتر حسن سبحانی در رشته اقتصاد اسلامی و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه در رشته فلسفه علوم انسانی اسلامی برگزیدگان این دوره از جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی بودند.

کنگره چهارم مانند سه کنگره‌ی قبلی، علاوه بر تولید علم و رونق‌گفتمان علوم انسانی اسلامی و ایجاد یک اتمسفر علمی جدید در مراکز علمی کشور و وظیفه خود را در هموارسازی و جهت‌بخشی صحیح به مسیر تحقیق و پژوهش در عرصه علوم انسانی اسلامی جست‌وجو می‌کرد. تحلیل محتوای مقالات سه کنگره قبلی نشان می‌دهد که سهم اساتید حوزه‌ها و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و سهم مقالات نظریه‌پردازانه در کل کار رو به افزایش بوده و ارتباط کنگره با جامعه علمی نهادینه شده است؛ به نحوی که به تدریج به تبلیغات متعارف، کمتر وابسته است.

اما و در هر صورت باید باور کنیم که علوم انسانی متعارف از محصولات پر قدرت دوران جدید حیات غرب است که از سوی انسان عالم غربی جدید برای تبیین واقعیت انسان عامل غربی جدید تولید شده است. بنابراین جامعه‌شناسی و اقتصاد و سایر علوم انسانی گزارشی است از تحقق فلسفه زندگی غربی در عینیت و واقعیت زندگی انسان غربی. در حقیقت دستاوردهای علوم انسانی، تداوم اجتماعی فلسفه زندگی غربی را نمایان ساخته است.

فرصت را غنیمت می‌شمارم و بر یک نکته مهم تأکید می‌کنم که هم‌اکنون علوم انسانی متعارف به‌مثابه فلسفه، دین و ایدئولوژی ایفای نقش می‌کند. راه‌حل اساسی این مشکل تولید علوم انسانی

مبتنی بر مبانی و معارف قرآن کریم است اما با این همه درس‌های فراوانی برای آموختن ما از تجربه غرب وجود دارد. این درس‌ها زمانی برای ما مفیدند که ما نخواهیم همیشه شاگرد بمانیم؛ اما ما چگونه می‌توانیم برای رهیدن از محدودیت‌های علوم انسانی و استفاده از قابلیت‌های آن نقش ایفا کنیم؟ نظریات علوم انسانی بر مفروضاتی استوار است که می‌توانند از سوی مکاتب فلسفی مختلف توضیحات متفاوت پیدا کنند. فلسفه اسلامی به‌ویژه حکمت صدرایی به دلیل آنکه محتوای آن بر مدار صیوریت انسانی تدوین شده باید برای تحقق این منظور فراوری شود.

از سوی دیگر از آن‌رو که موضوع علوم انسانی تبیین واقعیت کنش انسانی است، فرضیات آن با صورت‌بندی دنیای درونی کنشگر شکل می‌گیرد. با این رویکرد علاوه بر فلسفه اسلامی علم اخلاق اسلامی از ظرفیت بالایی برای صورت‌بندی دنیای ذهنی کنشگر و همین‌طور برای نظریه‌پردازی در این حوزه علمی برخوردار است.

علوم انسانی مبتنی بر مبانی قرآنی و دانش‌های فلسفی و کلامی می‌توانند بستر و زمینه‌ی مناسبی را برای نظریه‌پردازی فقهی فراهم آورند بعلاوه علوم انسانی عرف و متعارف واقعیت زندگی اجتماعی را در اختیار تفقه واقع‌نگر و مسئول در برابر جامعه قرار خواهد داد. ضمن آنکه آثار و پیامدهای تحقق عملی احکام فقهی با روش‌های علوم انسانی و اجتماعی نمایان خواهند شد. آثار و نتایجی که ممکن است در صورت اطلاع از آن در ماهیت نظریات فقهی اثرگذار باشند. البته از آن‌سو که بخش عظیمی از نظام اعتباریات فرد و جامعه اسلامی را فقه و اخلاق اسلامی می‌سازند، مدل‌سازی کنش انسانی در جوامع اسلامی با مفروض‌انگاری آموزه‌های اخلاقی و فقهی برای آنان که فقط به دنبال علم بومی هستند نیز باید مورد توجه باشد. اما و در هر صورت تولید علوم انسانی مبتنی بر مبانی و معارف قرآن کریم و در ترابط با دانش‌های متعارف حوزوی راهی است که در این دوره حیات اسلام و انسان و با استفاده از فرصت بی‌نظیر نظام مقدس جمهوری اسلامی و برای کمک به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اینک و هم‌زمان با انتشار چهارمین جلد از کتاب نظریه، مجموعه مقالات کنگره چهارم که حاوی ۱۱۶ مقاله تأییدشده از بین ۳۷۲ مقاله دریافتی است، در قالب ۱۰ جلد با محوریت ده کمیسیون تخصصی به شرح ذیل در اختیار اساتید و پژوهشگران حوزه علوم انسانی قرار گرفته است:

(۱) تعلیم و تربیت اسلامی: ۵ مقاله با مدیریت دکتر محسن فرمهینی فراهانی و با محوریت دانشگاه شاهد؛

(۲) فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی: ۶ مقاله با مدیریت دکتر عطاءالله رفیعی‌آتانی

- و با محوریت مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا؛
- ۳) مدیریت اسلامی: ۸ مقاله با مدیریت دکتر غلامرضا گودرزی و با محوریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)؛
- ۴) علوم سیاسی اسلامی: ۱۰ مقاله با مدیریت حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد نوروزی و با محوریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛
- ۵) اقتصاد اسلامی: ۱۲ مقاله با مدیریت دکتر محمدعلی متفکرآزاد و با محوریت دانشگاه تبریز؛
- ۶) تمدن نوین اسلامی: ۱۱ مقاله با مدیریت حجت‌الاسلام دکتر مهدی ابوطالبی و با محوریت دانشگاه شاهد و همکاری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛
- ۷) روان‌شناسی اسلامی: ۱۵ مقاله با مدیریت دکتر مهرداد کلاتری و با محوریت دانشگاه اصفهان و همکاری انجمن روان‌شناسی اسلامی؛
- ۸) هنر و معماری اسلامی: ۱۵ مقاله با مدیریت مهندس عبدالحمید نقره‌کار و با محوریت دانشگاه علم و صنعت؛
- ۹) فقه و حقوق اسلامی: ۱۸ مقاله با مدیریت دکتر محمود حکمت‌نیا و با محوریت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- ۱۰) ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی: ۱۶ مقاله با مدیریت دکتر سید سعید زاهد زاهدانی و با محوریت دانشگاه شیراز.
- البته در سال‌های گذشته مجموعه مقالات کنگره اول در قالب ۵ جلد (۹۰ مقاله)، مجموعه مقالات کنگره دوم در قالب ۷ جلد (۱۱۱ مقاله) و مجموعه مقالات کنگره سوم در قالب ۶ جلد (۹۷ مقاله) منتشر شده بود.
- ... به نظر می‌رسد سنت الهی در این‌گونه امور بر آن است که استمرار، نتیجه‌بخش خواهد بود و ما به شرط تداوم توفیق الهی در پیگیری این راه تردید نخواهیم کرد و بر همین اساس همچنان چشم در راه مدد همه اساتید و پژوهشگران خواهیم بود.

بمنه و کرمه
عطاالله رفیعی آتانی
دبیر علمی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «تعلیم و تربیت اسلامی»
رئیس کمیسیون: دکتر محسن فرمهینی فراهانی

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- طیه توسلی: استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم
- نیره حاجی علیان: دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران
- دکتر سیدعلی حسینی زاده: دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- مجید دارابی: دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تهران
- محمد داودی: دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- محسن دیبایی صابر: استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- اکبر رهنما: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- سید مهدی سجادی: استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- علی رضا صادق زاده قمصری: استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- محسن فرمهینی فراهانی: دانشیار علوم تربیتی دانشگاه شاهد
- علی نقی فقیهی: دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم
- مصطفی مرادی: دانشجوی دکتری دانشگاه تهران
- حسن ملکی: استاد مدیریت و برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی
- محمد حسن میرزاحمدی: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- سولماز نورآبادی: استادیار علوم تربیتی دانشگاه شاهد
- نجمه وکیلی: استادیار دانشکده علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه آزاد واحد رودهن

نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی

محسن فرمهینی فراهانی

دانشیار دانشگاه شاهد، ایران، تهران

farmahinifar@yahoo.com

چکیده

سواد فرهنگی ریشه در میراث فرهنگی و اجتماعی یک کشور دارد و از آنجا که کشور ما به‌ویژه پس از ظهور اسلام بافت مذهبی داشته و با اسلام آمیخته است، نمی‌توان میان آنها جدایی قائل شد. سواد فرهنگی حیطه گسترده‌ای دارد و همه دامنه‌های فعالیت‌های انسانی را از دین و علم گرفته تا ورزش دربرمی‌گیرد. هدف مقاله حاضر تبیین مفهوم سواد فرهنگی و اهمیت و نقش آن در تحولات علوم انسانی اسلامی است. در این راستا این پرسش‌ها مطرح است: مفهوم سواد فرهنگی و ضرورت و اهمیت آن چیست؟ ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی‌اش کدام‌اند؟ نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی چیست؟ چه راهکارهایی می‌توان برای تحقق سواد فرهنگی به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش جهت نقش‌آفرینی آن در تحول علوم انسانی اسلامی متصور شد؟ تحقیق پیش‌رو از نوع کیفی - تحلیلی است و محقق با بررسی و مطالعه منابع و اسناد مکتوب مرتبط، با استفاده از ابزار فیش‌برداری در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق برمی‌آید. بر اساس یافته‌های مهم این، سواد فرهنگی آن چیزی است که همه تمام اقدار جامعه به‌ویژه دانش‌آموزان باید از آن آگاه باشند و حفاظت از فرهنگ ایرانی -

اسلامی نیازمند سواد فرهنگی است. سواد فرهنگی، بحثی میان‌رشته‌ای و دارای قالب پیوستاری است، نه تک‌مقوله‌ای. این بحث ابعاد متعدد دارد که بررسی آن، هم برای دستیابی آسان‌تر به اهداف تحول علوم انسانی اسلامی و هم برای درک تحلیلی و انتقادی مسائل اجتماعی و فرهنگی لازم و مؤثر است. مؤلفه‌های سواد فرهنگی به عمده‌ترین ابعاد، جنبه‌ها، ویژگی‌ها و همچنین بخش‌های کلی مفهوم سواد فرهنگی اطلاق می‌شود که عبارت‌اند از: تاریخ ملی، تاریخ جهان، ادبیات، مشاهیر، دین و مذهب، هنر و سبک معماری، اقتصاد، سیاست، موسیقی، علوم پایه، پزشکی و سلامت، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، رسانه‌ها و مطبوعات، ضرب‌المثل‌ها و فناوری. منظور از عناصر سواد فرهنگی، مصادیق و زیرمؤلفه‌های هر یک از مؤلفه‌های اصلی است که به بهترین نحو ممکن، کیفیت و وضعیت سواد فرهنگی را در وجوه گوناگون نمایان می‌سازد. به دلیل ماهیت و عمومیت سوادآموزی فرهنگی، باید علاوه بر نگاه تخصصی به آن، این موضوع به «حوزه فرهنگ عمومی» نیز سوق داده شود. به همین دلیل است که سواد فرهنگی را می‌توان پیش‌نیازی برای تحول در علوم انسانی اسلامی دانست.

کلیدواژگان: سواد فرهنگی، تحول، علوم انسانی، علوم اسلامی.

مقدمه

نکته مشترک در تعاریف متنوع فرهنگ آن است که در هر صورت فرهنگ از طریق نشانه‌ها و علائمی که تحت لوای آداب و رسوم و یا هنر و ادب یک جامعه شکل یافته‌اند، از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. در بیشتر تعاریف، به فرهنگ به عنوان سرمایه و دارایی‌های اجتماعی توجه شده است. فرهنگ عمومی مجموعه آداب، رفتار، باورها، ارزش‌ها و معیارهای موجود در دل یک جامعه است که مناسبات افراد با یکدیگر را نظام و معنا می‌بخشد، هویت افراد جامعه را شکل می‌دهد، و ایشان را در کنار یکدیگر نگاه می‌دارد. در ضمن همین ضوابط و ارزش‌ها و باورهای فرهنگ عمومی است که میراث مشترک فرهنگی به شمار می‌آید و افراد یک جامعه را با یکدیگر مرتبط می‌سازد و با دنیای خارج از خود متفاوت جلوه می‌دهد (افضل طوسی و نوذری، ۱۳۸۹).

تردیدی نیست که دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور، مستلزم پرورش شهروندانی است که از سواد مفید و کافی برخوردار باشند. ارتباط این دو مقوله مهم یعنی فرهنگ و سواد، مفهوم جدیدی

است با عنوان سواد فرهنگی. طی دهه‌های اخیر بیش از ۳۴ نوع مفهوم سوادى مختلف مورد نیاز کشف، بررسی و تحلیل شده است که سواد علمی به معنای مصطلح در نظام آموزشی ما، تنها یکی از آنها به شمار می‌آید! از جمله سوادهاى سودمند و مدرن می‌توان به سواد فرهنگی، سواد اجتماعى، سواد سیاسى، سواد اقتصادى، سواد رسانه‌ای، سواد اطلاعاتى، سواد اطلاع‌رسانى، سواد کامپیوترى، سواد اینترنتى، سواد محیط کار، سواد خانوادگی، سواد فناوری، سواد قانونى، سواد شبکه‌ای، سواد ارتباطى، سواد ابزارى، سواد منبع‌گزینى، سواد معنوى، سواد بهداشتى، سواد هنرى، سواد سمعی و بصرى، سواد نقادى، سواد نظامى و سواد محیطى (اکولوژیک) اشاره کرد.

بیانیه رسمی یونسکو در راستای «دهه سواد سازمان ملل متحد» (۲۰۰۳ - ۲۰۱۳) برداشت جدیدی از سواد را مطرح کرد. در این بیانیه، سواد چندگانه و چند بعدی مورد توجه قرار گرفت (شیفر، ۲۰۰۳). از دیدگاه یونسکو، سواد تنها به معنای خواندن و نوشتن نیست، بلکه به معنای قابلیت‌ها و توانمندی‌های متعددی است که در قلب آن، قابلیت‌های ارتباطی قرار دارد. شیفر، انواع سواد یا قابلیت‌های مرتبط را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده‌اند:

۱. سواد عملیاتی، به معنای توانایی خواندن و نوشتن در زمینه‌های گوناگون؛
۲. سواد فرهنگی، به معنای فهم مسائل با توجه به زمینه‌های آن؛
۳. سواد انتقادی، به معنای توانایی مشارکت در امور اجتماعى و نیز تلاش برای اصلاح و بهبود آن (دانای طوسی و کیامنش، ۱۳۸۸).

عبارت «سواد فرهنگی» را هرش^۱ (۱۹۸۷) در کتاب پرفروش خود، سواد فرهنگی: آنچه که هر آمریکایی باید بداند متداول ساخت. این کتاب را مقامات بالای دولت به عنوان کتابی مهم در آینده آموزش و پرورش امریکا تحسین کردند و منتقدان آن را «پیگیری آموزشی بی‌اهمیت» دانستند. هرش پس از آن، لغتنامه سواد فرهنگی (۱۹۸۸) را منتشر کرد که در آن فهرستی از پنج هزار دانستنی را در موضوعات مختلف ارائه می‌داد.

دانستن و بالا بردن آگاهی‌های فرهنگی و ارزش‌های ملی و مذهبی در جامعه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در این مقوله سواد فرهنگی به عنوان رکن مهم آموزش این ارزش‌ها درمی‌آید. طبق آموزش سواد فرهنگی یادگیری خواندن و یا یادگیری هر چیز دیگری، بسیار وابسته به پس‌زمینه‌های فرهنگی دانش‌آموز است. توین‌بی، کومنیوس و هرش هر سه بر دانش هسته‌ای و نقش اجتناب‌ناپذیرش در توسعه افراد و همچنین جامعه تأکید می‌کنند. سواد فرهنگی

1. E. D Hirsch

چشم‌اندازهای متفاوتی را از چگونگی تولید فرهنگ در جامعه و نقشی که مدارس باید در انتقال فرهنگ ایفا کنند، ارائه می‌دهد که با توجه به فرهنگ غنی اسلامی-ایرانی کشور، ضروری است از این ظرفیت در افزایش آگاهی عمومی فرهنگی بهره گرفته شود.

در زمان حاضر در جامعه ما هیچ تعجبی ندارد که از کمبود سواد فرهنگی حتی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان و دانشگاهیان صحبت شود. در نظام آموزشی، جای آموزش عمومی یا به عبارت دقیق‌تر جای سواد فرهنگی خالی است. آموزش دانشگاهی‌ای که در جامعه ما ارائه می‌گردد عمدتاً تخصصی است و در برخی موارد میزان سواد فرهنگی شهروندان تحصیلکرده، بسیار ناچیز و ناپذیرفتنی است. در جامعه ما، به اهمیت و ضرورت سواد فرهنگی توجه کافی نشده است (محمد مخملچی، ۱۳۹۳). بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ گفتن به پرسش‌های زیر است:

۱. مفهوم سواد فرهنگی و ضرورت و اهمیت آن چیست؟
۲. ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی آن کدام‌اند؟
۳. نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی چیست؟
۴. چه راهکارهایی می‌توان برای تحقق سواد فرهنگی به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش جهت نقش‌آفرینی آن در تحول علوم انسانی اسلامی متصور شد؟

۱. روش پژوهش

این تحقیق از نوع کیفی-تحلیلی است و محقق با بررسی و مطالعه منابع و اسناد مکتوب مرتبط و با استفاده از ابزار فیش‌برداری، در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق برمی‌آید. پژوهش حاضر با توجه به منابع مطالعاتی، ماهیت موضوع، اهداف و پرسش‌های آن، از نوع تحقیق کیفی بوده، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است و در آن، با بهره‌مندی از روش پژوهش توصیفی، به توصیف اهمیت و ماهیت سواد فرهنگی پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه هدف پژوهش تحلیلی عبارت است از «فهم و بهبود مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که بر حسب آنها تجربه‌ها تفسیر، مقاصد به‌وضوح بیان، مسائل ساخت‌بندی شده و پژوهش‌ها به اجرا درمی‌آیند» (شورت، ۱۳۸۸)، در این مقاله به توضیح مفاهیم مرتبط با نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی پرداخته می‌شود. ابزارهای اندازه‌گیری، عبارت‌اند از: فرم فیش‌برداری از اطلاعات و چک‌لیست محقق ساخته.

۲. مفهوم، اهمیت و ضرورت سواد فرهنگی

سواد فرهنگی عبارت است از مجموعه اطلاعات یا آگاهی‌های فرهنگی‌ای که خوانشگران کارآمد متعلق به یک فرهنگ باید از آن برخوردار باشند. بدیهی است که برخورداری از چنین آگاهی‌هایی شرط لازم برای ورود به گفت‌وگویی منطقی با دیگران است. مثلاً صحبت کردن درباره فوتبال مستلزم داشتن اطلاعاتی درباره قواعد و مقررات فوتبال و تیم‌ها و بازیکنان معروف است. یا اگر صحبت از سیاست است، شناخت موضوعات روز و دیدگاه‌های مختلف درباره آن موضوعات برای ایجاد تعامل با دیگران بسیار سودمند خواهد بود. این تلقی از سواد فرهنگی را هرش در سال ۱۹۸۲ در امریکا مطرح ساخت. سواد فرهنگی همانند مفاهیم مکمل آن یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد کامپیوتری، سواد اطلاعاتی، سواد سمعی و بصری زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی به شمار می‌آید (رومیانی و ضیائیان، ۱۳۹۳). بدین ترتیب سواد فرهنگی به کارآمدی‌های ارتباطی نیز اطلاق می‌شود. سواد فرهنگی همانند مفاهیم مکمل آن، یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد کامپیوتری، سواد اطلاعاتی و سواد سمعی و بصری، زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی به شمار می‌آید (جعفری و رئیس میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۳).

هرش، در کتاب معروفش، سواد فرهنگی را با یک جمله تعریف کرد: «هر آنچه یک انسان باید بداند». او مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات و توانمندی‌ها را که یک فرد برای بقا و رشد در عصر حاضر باید بداند تعریف کرد (هرش، ۱۹۸۲). این اطلاعات در حوزه‌های مختلفی همچون ادبیات، تاریخ، علم و فناوری، زبان‌های مختلف، فرهنگ‌ها، هنر، رسانه‌ها، سیاست و غیره قرار دارند (در واقع سواد فرهنگی، چندین سواد مختلف را در دل خود جای داده است). سواد فرهنگی به تعریف هرش به معنای دارا بودن آن اطلاعات پایه است که به منظور زنده ماندن در دنیای مدرن مورد نیاز است و تمام دامنه‌های فعالیت‌های انسانی را از ورزش گرفته تا علم در بر می‌گیرد. این سواد در طبقه اجتماعی فرد محدود و محصور نمی‌شود، بلکه کاملاً برعکس آن است (گراف، ۱۹۸۹).

سواد فرهنگی توانایی درک و قدردانی نسبت به شباهت‌ها و تفاوت در آداب و رسوم، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگ خود و فرهنگ دیگران است (منطقه آزمایشگاه آموزشی شمال مرکزی، ۲۰۰۰). منظور از سواد فرهنگی، شناخت «میدان‌های» فرهنگی مختلف (به تعبیر بوردیو) یا شناخت قواعد نوشته و نانوشته، گونه‌ها، گفتمان‌ها، انواع سرمایه‌ها، ارزش‌های فرهنگی موجود، زمینه‌ها و ملزوماتی است که بر عمل انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. این شناخت، سواد خاصی را درباره «میدان»

معینی در اختیار افراد قرار می‌دهد و به آنها امکان می‌دهد تا بتوانند تشخیص دهند که چه رفتارها، کردارها، گونه‌ها یا گفتمان‌هایی در شرایط خاصی مناسب یا مقتضی هستند. از آنجاکه معناسازی با توجه به «میدان» صورت می‌گیرد، میزان آشنایی افراد با نظام‌های معنایی مختلف (مثلاً زبان بدن و یا مد) و کنش‌های مرتبط با آنها و همچنین توانایی افراد در خوانش و استفاده از نظام‌های معنایی مختلف، میزان برخورداری آنان از سواد فرهنگی را تعیین می‌کند. (جعفری و رئیس میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۲). به طور کلی سواد فرهنگی را می‌توان از دو منظر بررسی کرد:

۱. از منظر «درون‌جامعه‌ای» که مشتمل بر شناخت عناصر اساسی تشکیل‌دهنده فرهنگ ملی و شناخت آن دسته از عناصر جهانی است که بر فرهنگ ملی تأثیرگذار هستند؛
۲. از منظر «برون‌جامعه‌ای» که به معنای برخورداری از سواد فرهنگی درباره دیگر ملت‌هاست (میرزاامینی و صفایی، ۱۳۸۸، ص ۵).

در جوامع کنونی، افراد برای برخورد مؤثر با اندیشه‌های جدید، به دانش عمومی وسیع و متنوع نیاز دارند و قوی‌ترین دانش عمومی، سواد فرهنگی است که هم برای درک تحلیلی و انتقادی متون لازم و مؤثر است و هم برای انجام بهتر و علمی‌تر کارها و دستیابی آسان‌تر به اهداف اجتماعی و فرهنگی. بنابراین همه افراد جامعه اطلاعاتی باید از سواد فرهنگی کافی برخوردار باشند؛ به گونه‌ای که بتوانند موضوعات مختلف را تمیز دهند و درباره آنها بیندیشند و به عبارت دیگر سواد عمومی و فرهنگی لازم برای درک اطلاعات گوناگون را داشته باشند؛ زیرا نبود دانش زمینه‌ای می‌تواند درک اطلاعات را بسیار مشکل یا حتی غیرممکن سازد (محمد مخملچی، ۱۳۹۳).

هاروی گراف از دانشگاه تگزاس در مقاله‌ای با عنوان «سواد انتقادی در برابر سواد فرهنگی خوانش علایم زمان‌ها»، با بیان اینکه ارتقای سواد فرهنگی یک موقعیت قدرتمند ایجاد می‌کند، از قول هرش می‌نویسد:

اگرچه جریان فرهنگی به واژه‌های نوشته‌شده گره خورده و ممکن است نسبت به سایر عناصر فرهنگ رسمی‌تر و... به نظر برسد، لیکن این سواد یک شهود است. سواد فرهنگی دموکراتیک‌ترین فرهنگ در سرزمین ماست. این سواد تقابل نسل‌ها و طبقات و گروه‌های اجتماعی را حل می‌کند. این سواد نخستین فرهنگ معمول یک فرد نیست، بلکه باید دومین فرهنگ هر فرد باشد (گراف، ۱۹۸۹).

سوادآموزی فرهنگی شبکه‌ای از آگاهی‌هاست که تمام خوانندگان واجد صلاحیت از آن برخوردارند. سوادآموزی فرهنگی آگاهی‌های زمینه‌ای است که در ذهن ذخیره می‌شود و افراد را قادر

می‌سازد تا به شیوه‌ای هوشمندانه روزنامه‌ها را مطالعه کنند. سوادآموزی فرهنگی از سطح آگاهی روزمره افراد بالاتر و از سطح دانش تخصصی کارشناسان پایین‌تر است (هرش، ۲۰۰۱). هرش استدلال می‌کند که سوادآموزی فرهنگی برای زندگی اجتماعی و اقتصادی و نیز برای شهروندی ضروری است. سوادآموزی فرهنگی باید در سن سیزده سالگی حاصل شده باشد. در سال ۱۹۸۷ هرش منطق کامل خود را این گونه ارائه داد: «اهمیت مدنی سواد فرهنگی در این واقعیت نهفته است که آزادی واقعی، وابسته به دانش است، خود دانش وابسته به سواد، و در نهایت سواد نیز وابسته به سواد فرهنگی است».

در نظر وی، خواندن نیازمند پس‌زمینه و یا «دانش جهانی»، یعنی سواد فرهنگی است. هدف اساسی تعلیم و تربیت در این دیدگاه، فرهنگ‌پذیری است؛ یعنی انتقال آگاهی‌های ویژه مشترک از بزرگسالان یک گروه یا دولت‌شهر به بچه‌ها. هرش استدلال می‌کند که سوادآموزی فرهنگی برای زندگی اجتماعی و اقتصادی و نیز برای شهروندی ضروری است. سوادآموزی فرهنگی باید در سن سیزده‌سالگی حاصل شده باشد (هرش، ۱۹۸۷، ص ۳۰). وی «سواد انتقادی در برابر سواد فرهنگی» را مطرح کرده و بر این باور است که سواد فرهنگی باید دومین فرهنگ هر فرد به شمار آید. به اعتقاد هرش سواد فرهنگی آن چیزی است که همه دانش‌آموزان باید از آن آگاه باشند؛ زیرا به واسطه آن فرصت‌های یادگیری به طور یکسان میان دانش‌آموزان گسترده خواهد شد. هرش بر این باور است که سواد فرهنگی موجب بهبود در یادگیری، افزایش قدرت حافظه، بهبود روخوانی دانش‌آموزان، کاهش اندازه کلاس، و ایجاد انصاف و عدالت در مدارس خواهد شد. سواد فرهنگی تنها راه مطمئن به‌کارگیری فرصت‌ها به منظور جبران ضعف کودکان، و تنها راه درخور اعتماد مبارزه با جبرگرایی اجتماعی است. فقط با به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات از طرق اجتماعی (سواد فرهنگی) است که کودکان فرا می‌گیرند تا در فعالیتهای همکارانه با دیگر اعضای جامعه‌شان همیاری کنند (گراف، ۱۹۸۹).

امروز زندگی اجتماعی نسبت به گذشته بسیار پیچیده‌تر شده است و لذا افراد اجتماع به دانش عمومی وسیع‌تری در رشته‌های گوناگون دانش بشری نیازمندند؛ زیرا از طریق هر یک از رشته‌های دانش می‌توان از منظر خاصی به جهان و زندگی نگریست. به عبارت دیگر هر یک از رشته‌های دانش چشم‌انداز و منظر متفاوتی برای عقل‌ورزی و فهم جهان و زندگی در اختیار انسان می‌گذارد. به طور کلی، آموزش دانشگاهی بدون آموزش دانشگاهی عمومی (سواد فرهنگی)، آموزشی ناقص خواهد بود؛ به گونه‌ای که فراگیران از تربیت کلی و دانش عمومی لازم برای غنی‌سازی زندگی و

فرهنگ فردی و اجتماعی خویش محروم خواهند شد. در واقع آموزش دانشگاهی عمومی، امکان درک اتصال‌ها، ارتباطات و پیوندهای میان رشته‌های گوناگون دانش را برای فراگیران فراهم می‌آورد که این امر به نوبه خود چارچوب وسیعی را برای سازگاری و برخورد مؤثر با پیچیدگی‌های زندگی و مسائل ناشی از آن پیچیدگی‌ها در اختیارشان قرار می‌دهد (مخملچی، ۱۳۹۳).

از جمله فواید نظری مطالعه سواد فرهنگی در نظام آموزشی کشورمان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) افزایش آگاهی از ارزش‌های موجود در زمینه‌های فرهنگی جامعه با هدف برنامه‌ریزی کارآمد و اثربخش؛

ب) افزایش آگاهی از مؤلفه‌های اسلامی-ایرانی تعریف‌شده در گستره سواد فرهنگی با هدف بهبود غنای فرهنگی سیاست‌ها و اهداف آموزشی؛

ج) افزایش آگاهی نسبت به وجوه اشتراک فرهنگی دانش‌آموزان و دانشجویان، به عنوان آینده‌سازان مملکت؛

د) ایجاد نگرش مثبت نسبت به برقراری ارتباطات دوسویه میان فرهنگ‌ها و مراکز علمی در سطح بین‌المللی با هدف پیشرفت علمی و فرهنگی نظام آموزش و پرورش؛

ه) ایجاد نگرش مثبت نسبت به گنجانیدن اهداف آموزشی مبتنی بر اشتراکات و اختلافات میان فرهنگی با هدف توجه به اصل همه‌جانبه‌نگری در تدوین و ابلاغ سیاست‌ها؛

و) ایجاد نگرش مثبت نسبت به ضرورت ترویج ارزش‌های فرهنگی گوناگون در هر یک از قومیت‌های ملی و جوامع بین‌المللی با هدف آشناسازی فراگیران با وجوه برجسته سایر اقوام یا ملل؛

ز) درک تفاوت‌ها و شباهت به منظور تعامل بهتر با فرهنگ‌های دیگر.

از جمله فواید عملی مطالعه سواد فرهنگی در نظام آموزشی کشورمان نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) کمک به افزایش توانمندی برنامه‌ریزان درسی و آموزشی در طراحی و اجرای سیستم‌های نیازسنجی آموزشی و همچنین نظام جامع رتبه‌بندی آموزشی متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی حاکم بر اقوام و ملیت‌های گوناگون؛

ب) کمک به افزایش توانمندی سیاست‌گذاران آموزشی در بازتعریف فلسفه تربیتی حاکم بر اهداف و خط‌مشی‌های آموزشی با هدف حفظ و ترویج مؤلفه‌های سواد فرهنگی

اسلامی-ایرانی و همچنین توجه به شناساندن وجوه فرهنگی ملل دیگر در ابلاغ سیاست‌های آموزشی؛

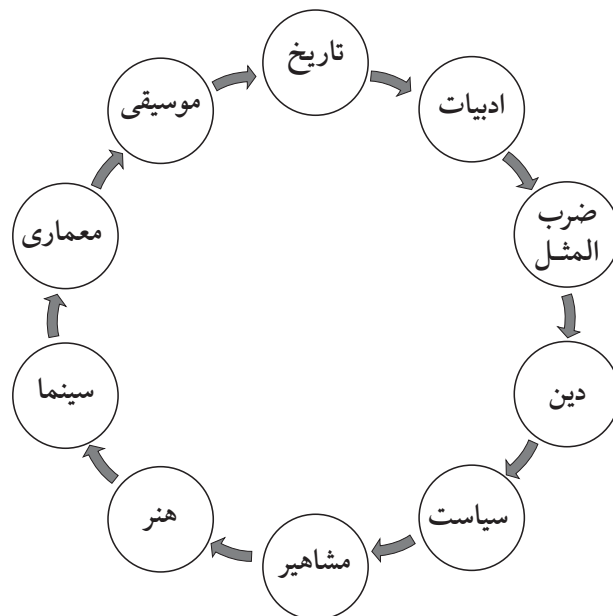
ج) کمک به افزایش توانمندی معلمان و مدرسان در کاربرد روش‌های تدریس مبتنی بر زمینه‌های فرهنگ اسلامی-ایرانی با هدف نهادینه‌سازی فرهنگ خودی و همچنین آشناسازی فراگیران با فرهنگ ملل دیگر؛

د) برقراری زمینه ارتباط مؤثرتر در سراسر کشور؛ همچون برقراری ارتباط بین قومیت‌های مختلف و تخصص‌های گوناگون در مکان‌های مختلف؛

ه) اتحاد و انسجام فرهنگی در کشور.

۳. ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی سواد فرهنگی

به طور کلی از دیدگاه هرش، در بررسی سواد فرهنگی هر جامعه بیش از ده مؤلفه اصلی اهمیت دارند که این مؤلفه‌ها بدین قرارند: تاریخ ملی، تاریخ جهانی، ادبیات، مشاهیر، دین و مذهب، هنر و سبک معماری، اقتصاد، سیاست، موسیقی، علوم پایه، پزشکی و سلامت، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، مطبوعات، اصطلاحات و نقل قول‌ها و فناوری (هرش، ۲۰۰۲، ص ۷). او بر این باور است که هیچ فرهنگی وجود ندارد که از سنت‌های خود بی‌خبر باشد. در یک جامعه باسواد، فرهنگ و سواد فرهنگی مترادف‌های نزدیکی هستند و برای بالا بردن سطح سواد یک جامعه، بهترین راه، تعریف دوباره فرهنگ و گسترش سواد فرهنگی است (فرمپینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶). منظور از مؤلفه‌های سواد فرهنگی، عناوین فرعی (شاخه‌های فرعی) سواد فرهنگی است که معیار مناسبی برای تشخیص و اندازه‌گیری میزان سواد فرهنگی افراد، گروه‌ها و جوامع است. به عبارت دیگر، مؤلفه‌های سواد فرهنگی به عمده‌ترین ابعاد، جنبه‌ها، ویژگی‌ها و همچنین بخش‌های کلی مفهوم سواد فرهنگی اطلاق می‌شود که عبارت‌اند از: تاریخ ملی، تاریخ جهان، ادبیات، مشاهیر، دین و مذهب، هنر و سبک معماری، اقتصاد، سیاست، موسیقی، علوم پایه، پزشکی و سلامت، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، رسانه‌ها و مطبوعات، ضرب‌المثل‌ها و فناوری.



منظور از عناصر سواد فرهنگی، مصادیق و زیرمؤلفه‌های هر یک از مؤلفه‌های اصلی است که به بهترین نحو ممکن، کیفیت و وضعیت سواد فرهنگی را در وجوه گوناگون نمایان می‌سازد. هر یک از مؤلفه‌های مذکور نقش بی‌بدیلی در افزایش سطح سواد فرهنگی دارند. برای مثال مؤلفه‌های تاریخ، ادبیات و دین در سواد فرهنگی جلوه‌ای از میراث فرهنگی و آینه جان، اندیشه، فلسفه و معنویت یک جامعه است. آنچه در این میان اهمیت دارد، آگاه‌سازی عمومی و نخبگانی از این هویت ملی و معنوی و میراث ارزشمند و برنامه‌ریزی‌های دقیق فرهنگی و آموزشی در جهت نگهداری از آنهاست. اگرچه پاسداری از ارزش‌ها و میراث فرهنگی وجهی جهانی یافته و نهادهای وابسته با تشکیل ستادهایی برای بازیابی و نگهداری از آنها می‌کوشند، اما شکی نیست که امروزه ملل و اقوام برای گفت‌وگو و هم‌اندیشی بیشتر نیازمند شناخت یکدیگر هستند؛ از این‌رو مؤلفه‌های تاریخ، ادبیات و دین به عنوان مهم‌ترین وجوه سواد فرهنگی، از مهم‌ترین ابزارهای این گفت‌وگو و شناخت هستند. مؤلفه هنر بی‌شک یکی از رساترین، نافذترین و ماندگارترین مؤلفه‌های سواد فرهنگی است (فرم‌هینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶). مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل

نیست. شک نباید کرد که انقلاب، به هنر نیازمند است و هنر انقلاب از آنجاکه باید حامل مفاهیمی نو و اجباراً ناآشنا باشد و از آنجاکه باید با همه معارضه‌ها و خصومت‌هایی که هیچ انقلابی از آن مصون نیست، درگیر شود و از آنجاکه باید معارف نوین را در ذهن‌ها راسخ و ماندگار سازد، ناگزیر باید هنری ممتاز و فاخر و پیشرو باشد. شعر و هنر، زیباترین قالب برای همه پیام‌های نوین و مایه گسترش و نفوذ این پیام‌ها تا هر سوی خطه وسیع دل‌ها و جان‌های انسانی است و شاعران و سخن‌سرایان آگاه همیشه توانسته‌اند والاترین معارف انسانی را در کتیبه روزگار با نقشی جاودانه، به نسل‌های بعد از خود بنمایانند (خامنه‌ای، ۱۳۶۵).

«سواد فرهنگی» و تقویت آن در حوزه «فرهنگ عمومی»: به دلیل ماهیت و عمومیت سوادآموزی فرهنگی، باید علاوه بر نگاه تخصصی به آن، این موضوع به «حوزه فرهنگ عمومی» نیز سوق داده شود. اگرچه طی دهه‌های اخیر ده‌ها هزار دانشجوی و دانش‌آموخته در رشته‌های تعلیم و تربیت و رشته‌های متعدد دیگر در نظام آموزشی کشور تربیت شده‌اند و صاحب هزاران کتاب، مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش‌های تحقیقاتی هستند، اما باید گفت ضمن تأیید ضرورت وجود و گسترش این فعالیت‌های تخصصی و آکادمیک، لازم است مقوله سوادآموزی فرهنگی در «حوزه فرهنگ عمومی» نیز تعریف شود و جایگاهی درخور توجه داشته باشد تا بتواند تأثیر محسوسی بر بهبود وضعیت آموزش در ایران بگذارد. بر خلاف این واقعیت، متأسفانه اغلب این فعالیت‌های دانشگاهی و علمی به حوزه عمومی وارد نشده‌اند و در قفسه‌های دانشگاه‌ها و مراکز اداری یا تحقیقاتی بایگانی شده‌اند.

۴. نقش فرهنگی در تحول علوم انسانی

پیشرفت و توسعه در جوامعی روی می‌دهد که اهمیت و جایگاه علوم انسانی در آنها بالا باشد. جوامعی در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گرفته‌اند که علوم انسانی در آنها رونق داشته است. سواد فرهنگی با تقویت دانستنی‌های اساسی در زمینه‌های مختلف زمینه‌ساز توافق بین‌الذہانی بین آحاد مختلف مردم می‌شود و فرهنگ‌سازی مناسبی برای پیشرفت در عرصه‌های مختلف را امکان‌پذیر می‌سازد. زمانی یک کشور می‌تواند در مسیر توسعه همه‌جانبه گام بردارد که میزان رشد فکری مردم آن جامعه بالا باشد. زمانی می‌توان در اقتصاد، سیاست و... توسعه یافته شد که رشد فکری جامعه نیز بالا باشد؛ یعنی شرط برخورداری از توسعه پایدار، رشد و توسعه فرهنگی و فکری است. سواد

فرهنگی در زمینه‌سازی این امر بی‌بدیل است. در کنار عوامل تأثیرگذار در پدید آمدن تمدن‌ها، اخلاق، هنر، معنویت و علوم انسانی نقشی کلیدی دارند و اگر علوم انسانی و هنر و ادبیات و مانند آن را از تمدن‌ها بگیریم، روح آنها را گرفته‌ایم و اگر این مقولات را تقویت کنیم، جامعه را به سوی بالندگی و توفیق بیشتر پیش برده‌ایم. تقویت سواد فرهنگی، گامی در این مسیر است.

در حوزه علوم انسانی، باید تولید نظریه و فکر عملی داشت تا بتوان این علوم را از حالت علم درجه دو خارج کرد و ارتقای سواد فرهنگی، کمکی اساسی در این راستاست. برای مثال ادبیات از مؤلفه‌های کلیدی سواد فرهنگی است. ادبیات، زبان و ادبیات فارسی گوهر تمدن ایرانی و اسلامی است و تقویت جنبه‌های معنوی، ایمانی، اسلامی و قرآنی آن مهم است که در سواد فرهنگی به آن توجه خاص می‌شود. تأکید بر تقویت زبان و ادب فارسی به عنوان نماد هویتی ایران، اصلی مهم است که باید تعریف بهتری از علوم انسانی در جامعه ارائه شود تا جامعه نسبت به آن متوجه و مشتاق گردد. در آموزش سواد فرهنگی این امر امکان‌پذیر است. افزایش سواد فرهنگی در جامعه را می‌توان راه‌حلی برای مشتاق کردن جامعه به علوم انسانی دانست که می‌تواند اثر بیشتری از تولید مقالات علمی پژوهشی در جامعه داشته باشد.

برای تحول در علوم انسانی اسلامی، به بستری مناسب نیاز است. سواد فرهنگی با توجه به ویژگی‌هایش می‌تواند این بستر را تأمین کند؛ چراکه افزایش سواد فرهنگی می‌تواند موجب افزایش آگاهی از ارزش‌های موجود در زمینه‌های فرهنگی جامعه و همچنین افزایش آگاهی از مؤلفه‌های اسلامی-ایرانی شود. این امر همچنین می‌تواند به بهبود غنای فرهنگی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به ضرورت ترویج ارزش‌های فرهنگی گوناگون بینجامد. کمتر کسی است که امروزه نقش فرهنگ را در سلامت، انسجام و توسعه اجتماعی نادیده بینگارد. سواد فرهنگی، ارزش‌های سنتی و اهمیت میراث فرهنگی را دوباره گوشزد می‌کند و این وعده را می‌دهد که برقراری سنت موجب انسجام اجتماعی، ارتقای آگاهی‌های فرهنگی، هویت ملی و تعامل با دیگر فرهنگ‌ها می‌شود. اینکه متون و مواد فعلی در محتوا دچار کمبود است و دانش متعارف و سواد فرهنگی لازم را منتقل نمی‌کند، ادعایی است که اثباتش به کار پژوهشی نیاز دارد.

سواد فرهنگی ریشه در میراث فرهنگی و اجتماعی یک کشور دارد و از آنجاکه کشور ما به‌ویژه پس از ظهور اسلام بافت مذهبی داشته و با اسلام آمیخته است، نمی‌توان میان آنها جدایی قائل شد. از آن گذشته یکی از مؤلفه‌های کلیدی سواد فرهنگی، دین و مذهب است و بررسی سواد فرهنگی در واقع بررسی دین و مذهب هم هست. سواد فرهنگی حیطه گسترده‌ای دارد و تمام

دامنه‌های فعالیت‌های انسانی را از ورزش گرفته تا دین و علم دربرمی‌گیرد. سواد فرهنگی آن چیزی است که همه دانش‌آموزان باید از آن آگاه باشند. سوادآموزی فرهنگی از سطح آگاهی روزمره افراد بالاتر و از سطح دانش تخصصی کارشناسان پایین‌تر است. سوادآموزی فرهنگی برای زندگی اجتماعی و اقتصادی و نیز برای شهروندی ضروری است. حفاظت از فرهنگ ایرانی-اسلامی نیازمند سواد فرهنگی است. با توجه به اینکه یکی از اهداف سواد فرهنگی حفاظت از فرهنگ به صورت منسجم و علمی است، در ایران نیز قطعاً حفاظت از فرهنگ اسلامی-ایرانی نیازمند سواد فرهنگی است تا در ذیل شعار سواد فرهنگی، به دنبال مدیریت صحیح برای هماهنگی و هم‌افزایی و افزایش مسئولیت‌پذیری عموم مردم در این زمینه باشیم. سواد فرهنگی بحثی میان‌رشته‌ای است و تا امروز متأسفانه به شکل علمی و مفصل در مدارس و دانشگاه‌ها به آن پرداخته‌ایم و خلأ آن کاملاً احساس می‌شود.

۵. راهکارهای تحقق سواد فرهنگی

اما در پاسخ به پرسش چهارم پژوهش که «چه راهکارهایی برای تحقق سواد فرهنگی به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش جهت نقش‌آفرینی آن در تحول علوم انسانی اسلامی متصور است؟»، می‌توان به راهکارهای زیر اشاره کرد:

۱. طراحی و تدوین بسته آموزشی چندبعدی تحت عنوان «ماتریس سواد فرهنگی»: برنامه‌ریزی چندبعدی و فرایندمدار در جهت تحقق اهداف متصور در مؤلفه‌ها و عناصر سواد فرهنگی و افزایش سطح آگاهی و سواد دانش‌آموزان نسبت به سواد فرهنگی ضروری است. یک محیط غنی و متنوع برای پرورش کل شخصیت دانش‌آموز، از طریق تولید، طراحی آموزشی، اجرا و ارزیابی با توجه به تنوع و چندبعدی‌نگری امکان‌پذیر است. تدارک محیط غنی و پویا برای دانش‌آموز جهت کسب نگرشی نو و افزایش توانایی‌ها و ارج نهادن به او، از طریق یک نظام آموزشی کل‌نگر و چندبعدی از دانش، مهارت و نگرش با محوریت افزایش سطح سواد فرهنگی امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، ماتریس سواد فرهنگی برنامه‌ریزی کل‌نگری است که کلیت موردنظر در پرورش شخصیت دانش‌آموز را در بیش از ده قلمرو سواد فرهنگی (شامل تاریخ، ادبیات، هنر، دین و مذهب، مشاهیر ملی، مشاهیر جهانی، اقتصاد، سیاست، روابط بین‌الملل، مطبوعات، جغرافیا، علوم مدنی، علوم پایه، پزشکی و سلامت، فناوری، جامعه‌شناسی، مطبوعات و روان‌شناسی) مورد توجه قرار می‌دهد. مسئله قابل توجه در طرح آموزشی «ماتریس سواد فرهنگی»، ارتباط و تعامل مؤلفه‌ها و عناصر سواد

فرهنگی در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی برای دانش‌آموزان است که کلیتی را برای پرورش کل شخصیت دانش‌آموزان فراهم آورد (فرهینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶):

۲. برنامه‌ریزی و طراحی آموزشی برنامه درسی تلفیقی جهت استقرار زنگ مطالعه تلفیقی در مدارس: این برنامه که مطالعات آن در وزارت آموزش و پرورش ژاپن انجام شده و از آوریل سال ۲۰۰۳ در همه مدارس آن کشور لازم‌الاجرا گشته، بازنگری در برنامه‌های درسی مدارس است؛ به نحوی که فرصت لازم برای یادگیری تلفیقی یا ساعت مطالعه تلفیقی در برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس فراهم شود (سرکار آرانی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵). این برنامه یک ماده درسی نیست، بلکه فرصت یادگیری است که در مدارس و برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده و هر مدرسه با توجه به شرایط طبیعی، فرهنگی، جغرافیایی، آموزشی و اجتماعی خود باید محتوای لازم برای آموزش آن را به کمک دانش‌آموزان فراهم کند. هدف اساسی این برنامه، برقراری ارتباط مؤثر میان عناصر و موضوعات مختلف برنامه درسی در فعالیتهای آموزشی مدارس است. در این روش به نظام آموزش و پرورش به طور عام و مدارس به طور خاص توصیه می‌شود که با توجه به موقعیت خود تا حد ممکن مؤلفه‌ها و عناصر سواد فرهنگی نظیر دوره‌های تاریخ ایران، آثار مهم تاریخی ایران، دوره‌های مهم تاریخ اسلام، جنگ‌ها و رویدادهای مهم تاریخ اسلام، دوره‌های مهم تاریخ جهان، جنگ‌ها و انقلاب‌های مهم تاریخ جهان، ادبیات شامل انواع ادبی، سبک‌های شعری، قالب‌های شعری، آرایه‌های ادبی، درونمایه‌های ادبیات فارسی، ادبیات نوین ایران، ادبیات کودک و نوجوان، زندگی‌نامه علمای دینی، نویسندگان ایرانی، نویسندگان خارجی، شعرا، فیلسوفان مسلمان و غیرمسلمان، مشاهیر عرصه هنر و موسیقی دانان ایرانی و خارجی، دین و مذهب شامل دین اسلام، مسیحیت، یهودیت، زرتشتی و ادیان سایر ملل، و مفاهیم سیاسی و تعاملات بین‌المللی و موضوعات اقتصادی را مورد توجه قرار دهند. روش آموزش این دروس بیشتر کاربردی، عینی و تجربی است و کمتر از روش‌های معمول سخنرانی استفاده می‌شود. معلمان این درس‌ها نه تنها معلمان رسمی مدرسه بلکه والدین، شهروندان، دوستان و همبازی‌ها، مسئولان فرهنگی، علمی و اجتماعی، صنعتی و... هستند. مکان‌های آموزشی هم نه تنها مدرسه بلکه پارک‌ها، مراکز صنعتی و خدماتی، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، در کنار رودخانه‌ها، کوه‌ها، مؤسسات اجتماعی و آزمایشگاه‌های مختلف است؛

۳. جای‌گزینی «رویکرد شناختی» با «رویکرد اجتماعی» در تلقی نسبت به مقوله سواد فرهنگی: رویکرد شناختی نظام آموزش و پرورش کشور به سواد، رویکرد درستی نیست و نمی‌تواند

سواد را برای افراد، مفید و ارزشمند سازد؛ از این رو افراد در برابرش مقاومت می‌کنند. بر این اساس باید با رویکرد بدیلی به نام «رویکرد اجتماعی» به سواد نگریست. در منظر شناختی، سواد مهارت شناختی و ذهنی است که دانش آموز باید آن را بیاموزد؛ چیزی است شبیه «مهارت» یا «فن» که می‌توان آن را در نتیجه ممارست یا به خاطر سپردن به دست آورد. از این دیدگاه، سواد، یعنی «قابلیت شناختی» که به افراد شیوه خواندن، نوشتن و شمارش اعداد یا حساب را می‌آموزد. این قابلیت را می‌توان در مدرسه، به کمک معلم و کتاب‌های درسی آموخت یا حتی افراد ممکن است بتوانند بدون مشارکت دیگران نیز باسواد شوند. پیش فرض این دیدگاه این است که افراد هوش و استعداد یادگیری سواد را دارند و ما صرفاً باید از راه آموزش این استعداد بالقوه فردی را تحقق ببخشیم و شکوفا کنیم. از این رو سواد دارای نوعی بنیان زیست‌شناسانه و فردی است. همچنین این قابلیت را می‌توان به کمک «آزمون‌های ارزشیابی کمی» سنجید؛ اما در مقابل، از نظر رویکرد اجتماعی، سواد سازه اجتماعی است نه زیست‌شناسانه. در این رویکرد سواد نوعی «عمل اجتماعی» است؛ یعنی معانی‌ای که در متن‌های شفاهی، کتبی و بصری ارائه می‌شوند، به طور اجتماعی ساخته و در زمینه اجتماعی خوانده می‌شوند. از این منظر نه تنها نوشتن، بلکه حتی خواندن نیز بستگی تام به بستر اجتماعی‌اش دارد. در دیدگاه اجتماعی، سواد به عنوان توانایی فرد برای تولید و فهم متن‌ها با توجه به نقش و جایگاه ساختارها و بستر اجتماعی و نقش ایدئولوژی و نهادها ملاحظه می‌شود. از این رو موضوع سواد مستقیماً به شرایط سیاسی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی جوامع ارتباط دارد (فرهینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶):

۴. لزوم ترویج و تقویت «گفتمان‌شناسی سواد فرهنگی»: یکی از علل سکوت اجتماعی در برابر بحران بی‌سوادی امروز، حذف سواد از گفتمان‌های فکری و جریان‌های روشن‌فکری است. در ظاهر امر این‌گونه فرض شده است که جامعه ایران با توجه به داشتن سابقه بیش از صدسال نظام مدرسه‌ای و گسترش سراسری آن، از مرز بحرانی سوادآموزی گذشته است. جمعیت بالای دانش‌آموزان، معلمان و وجود هزاران مدرسه و مرکز آموزشی در سراسر کشور نیز می‌تواند نوعی «خطای دید» در توجه به میزان باسوادی در ایران ایجاد کند و به کند شدن حرکت توسعه همه‌جانبه بینجامد؛

۵. بازتعریف مفهوم سواد و زیرمجموعه‌های آن از جمله سواد فرهنگی و تقویت آن در حوزه «فرهنگ عمومی»: به دلیل ماهیت و عمومیت سوادآموزی فرهنگی، باید علاوه بر نگاه تخصصی به آن، این موضوع به «حوزه فرهنگ عمومی» نیز سوق داده شود. اگرچه طی دهه‌های اخیر ده‌ها

هزار دانشجو و دانش‌آموخته در رشته‌های تعلیم و تربیت، تکنولوژی آموزشی، مطالعات برنامه درسی، فلسفه تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، مطالعات آموزش و رشته‌های متعدد دیگر در نظام آموزشی کشور تربیت شده‌اند و صاحب هزاران کتاب، مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش‌های تحقیقاتی هستند، اما جدا از ضرورت وجود و گسترش این فعالیت‌های تخصصی و آکادمیک، لازم است مقوله سوادآموزی فرهنگی در «حوزه فرهنگ عمومی» نیز تعریف شود و این مقوله جایگاه درخور توجهی داشته باشد تا بتواند تأثیر چشمگیری بر بهبود وضعیت آموزش در ایران بگذارد. برخلاف این واقعیت، متأسفانه اغلب این فعالیت‌های دانشگاهی و علمی به حوزه عمومی وارد نشده و در قفسه‌های دانشگاه‌ها و مراکز اداری یا تحقیقاتی بایگانی شده‌اند؛

۶. استفاده از چندرسانه‌ای‌ها در طراحی و استقرار «بانک اطلاعات سواد فرهنگی»: تولید چندرسانه‌ای مواد آموزشی و تدارک برنامه آموزشی و درسی با توجه به تنوع و چندبعدی‌نگری لحاظ‌شده در برنامه، محیطی غنی و پویا را در نگرش به دانش‌آموز و آفرینش‌های متنوع و خلاق در هر تعامل فراهم می‌آورد. طراحی و اجرای «بانک اطلاعات سواد فرهنگی» به کمک چندرسانه‌ای‌ها، با توجه به گستردگی و تنوع چندبعدنگری عرصه سواد فرهنگی، فرصت بروز خلاقیت یاددهنده و یادگیرنده و انعطاف‌پذیری را در برنامه فراهم می‌آورد؛

۷. تدوین سیاست‌های آموزشی در راستای افزایش سطح سواد فرهنگی معلمان و دبیران از طریق برگزاری جلسات هم‌اندیشی و دانش‌افزایی در این زمینه؛

۸. از نظام آموزش و پرورش انتظار می‌رود که نشانگر تجلی فرهنگ در سطح جامعه باشد. براین‌اساس انتظار می‌رود آموزش و پرورش تا حدود فراوانی فرهنگی باشد و دغدغه‌مندی‌های مرتبط همچون پرداخت به مقوله سواد فرهنگی را سرلوحه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود سازد و تخصیص منابع انسانی، کالبدی و مالی را در حیطه یادشده در دستور کار قرار دهد؛

۹. مقابله با پدیده‌ی منفی از خودبیگانگی فرهنگی و تلاش برای بالا بردن عزت نفس دانش‌آموزان از طریق ایجاد نگرش مثبت و علاقه در آنها نسبت به دوره‌های مهم تاریخ ایران و وقایع و آثار تاریخی؛

۱۰. ایجاد نگرش مثبت و علاقه در دانش‌آموزان نسبت به مؤلفه زبان و ادبیات فارسی؛

۱۱. سرلوحه قرار دادن مؤلفه دین و مذهب به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سواد فرهنگی و ارزش‌های اسلامی از طریق توجه ساختار و نظام آموزش و پرورش به پرورش شخصیت دانش‌آموز

در همه وجوه (نه صرفاً علم‌آموزی) و همچنین توجه به تقویت پشتیبانی معنوی؛

۱۲. توجه به هنر فاخر به عنوان یکی از مؤلفه‌های سواد فرهنگی از طریق برقراری پیوند و تعامل میان نظام آموزش و پرورش و مراکز هنری؛

۱۳. عنایت همه مسئولان و دستگاه‌های اجرایی به موضوع سوادآموزی فرهنگی از طریق همکاری‌های بین‌بخشی نظام آموزش و پرورش و نهادهای ذی‌ربط در راستای ریشه‌کنی بی‌سوادی فرهنگی؛

۱۴. با توجه به پیشرو بودن نظام آموزش عالی و فضاهاى دانشگاهی در ترویج ارزش‌های فرهنگی کشور و افزایش سطح سواد فرهنگی جامعه، لزوم توجه به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی کلان فرهنگی بیش از پیش محسوس است و نیازمند همکاری آموزش عالی در بازنگری محتوای واحدهای درسی مرتبط و ارزشمند انگاشتن واحدهای درسی عمومی است؛

۱۵. بازمهندسی نظام جامع تربیت معلم از سوی آموزش عالی با رویکرد سواد فرهنگی؛

۱۶. برخورد دوران ما برخورد فرهنگی است. آنچه در وهله نخست به عنوان مهم‌ترین جبهه و عرصه هم‌اورد اتفاق می‌افتد در عرصه فرهنگ است نه در صحنه نبرد نظامی؛ از این رو برای شکل‌دهی و هر گونه آموزش فرهنگ عمومی، باید از ابزار این دوران، یعنی فرهنگ سود جست؛

۱۷. دو برداشت متفاوت نسبت به سواد فرهنگی وجود دارد: برداشت اول تعریفی ایستا از این مفهوم عرضه می‌کند که به فهرست کردن همه مفاهیم یا اطلاعات اساسی یا پایه که یک فرد باید بداند منتهی می‌شود؛ از آشنایی با نشانه‌های موجود در خیابان گرفته تا رویدادهای مهم تاریخی و همچنین توانایی در استفاده از اصطلاحات رایج، تکیه‌کلام‌ها و شناخت مجموعه ادبیات اصیل. در این دیدگاه، سواد فرهنگی عبارت است از مجموعه اطلاعات یا آگاهی‌های فرهنگی که خوانشگران کارآمد متعلق به یک فرهنگ باید از آن برخوردار باشند. بدیهی است برخورداری از چنین آگاهی‌هایی شرط لازم برای ورود به یک گفت‌وگوی منطقی با دیگران است. این تلقی از سواد فرهنگی در سال ۱۹۸۲ توسط «هرش» در امریکا مطرح شد. وی در کتابی با عنوان سواد فرهنگی: آنچه هر امریکایی باید بداند فهرستی از پنج هزار دانستی در موضوعات مختلف را ارائه کرد. وی همچنین در سال ۲۰۰۱ دایرةالمعارف کامل سواد فرهنگی را منتشر کرد؛ اما چنین تلقی ایستایی در دنیای در حال تحول امروز که شهروندان آن به کارآمدی بین فرهنگی نیز نیازمندند، کافی نیست. لذا یک تعریف پویا نیز از سواد فرهنگی ارائه شده است که هم بر مجموعه‌ای از شناخت‌های پایه و اساسی و هم بر کارآمدی‌های موردنیاز برای تعمیق این شناخت و گردآوری و استفاده از اطلاعات

جدید مبتنی است (فره‌مینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶). در جامعه‌ای چندفرهنگی، سواد فرهنگی به معنای تسامح، تساهل و مدارای بیشتر، درک و گفت‌وگویی آزاد بین هویت‌های اجتماعی، قومی و مذهبی مختلف و احترام به عقاید دیگران و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. به علاوه اگر بپذیریم که جامعه ایرانی همانند بسیاری از جوامع دیگر به سوی جامعه‌ای مبتنی بر دانایی حرکت می‌کند، در این صورت شهروندان چنین جامعه‌ای به کارآمدی‌های خاصی نیاز خواهند داشت؛ به گونه‌ای که آنها خود از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دانستنی‌های اساسی خود را عمق بخشند و نسبت به گردآوری و استفاده کارآمد از آنها مبادرت ورزند. بدین ترتیب سواد فرهنگی به کارآمدی‌های ارتباطی نیز اطلاق می‌شود (جعفری و رئیس میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۳). به نظر می‌رسد که لازم است برداشت دوم از سواد فرهنگی که جامع‌تر و دقیق‌تر است، سرلوحه کار دست‌اندرکاران قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

در جوامع کنونی، افراد برای برخورد مؤثر با اندیشه‌های جدید، به دانش عمومی وسیع و متنوعی نیاز دارند و قوی‌ترین دانش عمومی، سواد فرهنگی است که برای دستیابی آسان‌تر به اهداف اجتماعی و فرهنگی و نیز برای درک تحلیلی و انتقادی متون لازم و مؤثر است و موجب افزایش آگاهی نسبت به ارزش‌های موجود در زمینه‌های فرهنگی جامعه، افزایش آگاهی نسبت به وجوه اشتراک فرهنگی میان ملت‌ها، ایجاد نگرش مثبت نسبت به برقراری ارتباطات دوسویه میان فرهنگ‌ها و مراکز علمی و درک تفاوت‌ها و شباهت به منظور تعامل بهتر می‌شود.

سواد فرهنگی مفهومی است که به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته کمتر مورد توجه نظام آموزشی و مسئولان فرهنگی کشور قرار گرفته است. با اینکه امریکا در زمره کشورهایی است که دارای سابقه تاریخی و فرهنگی درخور ملاحظه‌ای نیست، در این کشور به این مقوله توجه اساسی شده است. در کشور ما در حوزه فرهنگی کارهای پرشماری انجام شده، اما در این میان به موضوع سواد فرهنگی و تأثیر آن بر عملکرد نظام آموزش و پرورش (باتوجه به قدمت فرهنگی ایران و اهمیت مباحث آموزشی و تربیتی) کمتر پرداخته شده است. با نظر به اختلافات میان طرف‌داران سواد فرهنگی و منتقدان آن، چشم‌اندازهای متفاوتی از چگونگی تولید فرهنگ در جامعه و نقشی که مدارس باید در انتقال فرهنگ ایفا کنند، وجود دارد. طرف‌داران سواد فرهنگی این مسائل مهم را با اعلام چشم‌انداز خود از جامعه، فرهنگ، و مدارس مورد توجه قرار داده‌اند. هر ش نکته‌ای

معتبر درباره افراط «فرمالیسم آموزشی» بیان می‌کند. سواد فرهنگی به عنوان یک شعار بسیار موفق است، اما مرجع آن مبهم است. گرچه مباحث هرش حاوی نکات ارزشمندی درباره سواد فرهنگی و اهمیت آن در نظام آموزشی است، لیکن باید یادآور شد که دیدگاه فرهنگی ارائه شده توسط هرش به گونه‌ای است که در آن افراد، به جای خلق فعالانه فرهنگ، منفعلانه دریافتش می‌کنند. بدون شک فرد باید قبل از آنکه قادر به ایجاد محصولات باشد که به فرهنگ کمک می‌کنند، محتوای فرهنگی را بیاموزد. مطمئناً آموزش فنون آزاد باید فرد را قادر به نوشتن خوب و تفکر انتقادی و نه فقط تشخیص نام نویسندگان کلاسیک سازد. هیچ چیزی در رویکرد هرش وجود ندارد که بر چنین نقش فعال و مهمی در فراگیران تأکید کند. یادگیری عادی، تحصیلاتی نیست که کارایی لازم را داشته باشد. چنین تلقی ایستایی در دنیای در حال تحول امروز که شهروندان آن به کارآمدی بین فرهنگی نیز نیازمندند کافی نیست. لذا باید تعریف پویاتری نیز از سواد فرهنگی ارائه کرد که هم بر مجموعه‌ای از شناخت‌های پایه و اساسی و هم بر کارآمدی‌های مورد نیاز برای تعمیق این شناخت مبتنی باشد. در یک جامعه چندفرهنگی، سواد فرهنگی به معنای تسامح، تساهل و مدارای بیشتر، درک و گفت‌وگویی آزاد بین هویت‌های اجتماعی، قومی و مذهبی مختلف و احترام به عقاید دیگران و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. به علاوه اگر بپذیریم که جامعه ایرانی همانند بسیاری از جوامع دیگر به سوی جامعه‌ای مبتنی بر دانایی حرکت می‌کند، در این صورت شهروندان چنین جامعه‌ای به کارآمدی‌های خاصی نیاز خواهند داشت؛ به گونه‌ای که آنها خود از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دانستنی‌های اساسی خود را عمق بخشند و نسبت به گردآوری و استفاده کارآمد از آنها مبادرت ورزند. شاید یکی از پیامدهای عمده تمرکز بر سواد فرهنگی این است که باید محتوای فرهنگی و علوم انسانی بیشتر نمود داشته باشد و آموزش‌های عمومی فرهنگی بیشتر لحاظ گردد. بی‌سوادی فرهنگی عبارت است از عدم آشنایی با فرهنگ خود. این اغلب زمانی نمود می‌یابد که ضرب‌المثل‌های رایج اشتباه درک می‌شوند یا ارجاع به فرهنگ عامیانه و فولکلور اصلاً درک نمی‌شود. افراد زمانی نسبت به فرهنگ خود بی‌سواد هستند که در محیط فرهنگی خودشان احساس ناراحتی و ناآشنایی کنند. در واقع هدف تربیت، پرورش انسان چندبعدی و نه تک‌بعدی است. یکی از راه‌های تحقق این هدف، سواد فرهنگی است. بنابراین ضروری است که همه اعضای جامعه (اعم از متخصصان و غیرمتخصصان) از سواد فرهنگی برخوردار باشند تا اینکه سواد فرهنگی جایگاه شایسته خود را در جامعه به دست آورد.

سواد فرهنگی عبارت است از شناخت یک فرد نسبت به مؤلفه‌ها و عناصر سواد فرهنگی، مانند

پیشینه یا تاریخ جامعه خود و جامعه جهانی، ادبیات، دین و مذهب خود و سایر ملل، مناسبات اجتماعی و شناخت نشانه‌های فرهنگی و واکنش بایسته و شایسته به آن. برای فردی که سواد فرهنگی دارد، نشانه‌هایی مانند هشدارهای زیست‌محیطی در دل دشت و کوه و جاده‌ها، تنها یک تصویر نمادین خاموش نیست، بلکه هشدار برای تنظیم رفتارهای فرد با محیط است. یکی دیگر از ویژگی‌های سواد فرهنگی، شناخت از فرهنگ دیگری است که روابط فرد را با جهان دیگر یا فرهنگ دیگر سازمان می‌دهد و مدارا با فرهنگ‌های دیگر را به او می‌آموزد. با توجه به اینکه جامعه ما آمیخته‌ای از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هاست و پایداری چند هزار ساله جامعه ایران در هم‌زیستی این فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها بوده است، توجه به ترویج سواد فرهنگی، ضروری است (فرهپینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶).

مؤلفه سیاست با کل زندگی انسان‌ها در جامعه سروکار دارد و از تعیین‌کننده‌ترین عوامل زندگی عصر کنونی است. در واقع با تعطیلی سیاست، جامعه دچار بی‌نظمی، آشفتگی و خشونت بیش‌از اندازه می‌شود و همبستگی اجتماعی از میان می‌رود و افراد حتی در تأمین نیازهای اولیه خویش برای بقا دچار مشکلات و بحران‌های مختلف می‌شوند. براین اساس در عصر حاضر سیاست عامل بقای اجتماع است. مفهوم سیاست در اندیشه‌های جدید، تدبیر در جهت اداره امور است و سیاست به صورت مستقیم و غیرمستقیم همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد. توجه به مؤلفه سیاست در سواد فرهنگی، افزایش آگاهی‌های سیاسی و احساس مسئولیت افراد در قبال سرنوشت جمعی خود و کشورشان می‌تواند سبب بقای جامعه مطلوب‌شان باشد. اگر چنین آگاهی و مسئولیتی وجود نداشته باشد، جامعه از هم فرومی‌پاشد. در عمل نیز امروزه مؤلفه سیاست به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر وارد زندگی انسان‌ها شده است و به هر سو که نظر می‌اندازیم، چهره‌ای از سیاست رخ می‌نماید.

الزامی که ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه، تعیین‌کننده آن است، بسیاری را به این باور رسانده که تعیین مرز دقیق بین مفاهیم باسوادی و بی‌سوادی، امری ناممکن است؛ زیرا مرز مشخصی وجود ندارد که فرد با عبور از آن، از وادی بی‌سوادی به حریم امن سواد قدم گذارد. طیف معنایی سواد، از بی‌سواد مطلق، یعنی وضعیتی که فرد نمی‌تواند بخواند و بنویسد آغاز می‌شود و در درجه‌های بعدی به بی‌سواد عملکردی می‌رسد. در این مرحله، فرد تا حدودی توانایی خواندن و نوشتن دارد، اما این توانایی، در حد برطرف کردن نیازهای روزمره‌اش نیست. پس از این مرحله، طیف معنایی سواد، به باسوادی محدود می‌رسد که در این سطح، فرد می‌تواند تا حد برطرف کردن

نیازهایش بخواند و بنویسد، اما توانایی خواندن و نوشتن، پاسخ‌گوی نیازهای معنوی وی نیست. باسوادی، مرحله بعدی طیف معنایی مفهوم سواد است. در این مرحله، فرد می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی خویش باشد و توانایی درک آنچه را می‌خواند، دارد. مرحله بعد نیز مرحله شناختی است.

منابع

۱. افضل طوسی، عفت‌السادات و نوذری، حسینعلی (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ دیداری بر فرهنگ عمومی در بستر فرآیند جهانی شدن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۱۱.
۲. میرزاامینی، محمدرضا، و صفایی، رضا (۱۳۸۸). ارتقای سواد فرهنگی: شالوده توسعه فرهنگی کشور. تهران: اندیشگاه شریف.
۳. دانای طوسی، مریم، و کیامنش، علیرضا (۱۳۸۸). رویکردهای زیربنای تعریف سواد: شواهدی از برنامه درسی کشورهای امریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، سنگال، اندونزی و ایران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شماره ۳۱، سال هشتم، ۷۵-۱۰۰.
۴. مخملچی محمد (۱۳۹۳). سواد دانشگاهی به مثابه پارادایم بدیل برای سواد فرهنگی هرش. طرح پروپوزال دکترا. دانشگاه تربیت مدرس.
۵. جعفری، مصطفی، و رییس‌میرزایی، نرگس. (۱۳۹۳). تأثیر سواد فرهنگی بر توسعه توریسم فرهنگی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی مهندسی صنایع و مدیریت پایدار. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنجان. ص ۲ و ۳.
۶. رومیانی، فاطمه، و ضیائیان، فاطمه (۱۳۹۳). تأثیر سواد فرهنگی بر روی جامعه مبتنی بر دانایی، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی. مرودشت. ص ۱ و ۲.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۵). اهمیت هنر، گفت‌وگو با اعضای سومین کنگره شعر و ادب دانشجویان سراسر کشور- جهاد دانشگاهی. ۲۷ آذر.
۸. سرکار آرنی، محمدرضا (۱۳۹۲). فرهنگ آموزش و یادگیری، پژوهشی مردم‌نگارانه با رویکرد تربیتی. تهران: انتشارات مدرسه.
۹. شورت، ادموند (۱۳۸۸). روش‌شناسی برنامه درسی. ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران. تهران: سمت.
۱۰. فرمهینی فراهانی، محسن و همکاران (۱۳۹۶). سواد فرهنگی. تهران: انتشارات پارسوا.

11. North Central Regional Educational Laboratory (2000). Retrieved on March 3, 2009 from <http://www.engines4ed.org/hyperbook/nodes/educator-outline.html#NODE-91>.

12. Graff, H. J. (1989). Critical Literacy Versus Cultural Literacy-Reading signs of the times?, The university of Texas at Dallas. Interchnge .vol 20,No 1 ,pp:46-52
13. Hirsch, E. D. (2001). *The New Dictionary Of Cultural Literacy; What Every American Needs to Know*. New York: Houghton Mifflin Company.
14. Hirsch, E. D. (1983). Cultural Literacy, *American Scholar*. 52: 159-160.
15. Hirsch, E. D. (1987). *Cultural Literacy: What Every American Needs to Know*. New York: Houghton-Mifflin.
16. Hirsch, E. D. (1988). *The Dictionary of Cultural Literacy*. New York: Houghton-Mifflin
17. Schaefer, R,T (2003). Sociology Matters., *Publisher: McGraw-Hill* Education; 6 edition

